



کمیته حقوق بشر
حقوقدانان انگلستان و ویلز
(BHRC)

خشونت بر ضد زنان

افغانستان

می ۲۰۰۸

نشرات کمیته حقوق بشر
حقوقدانان انگلستان و ویلز
لندن - (BHRC)

فهرست مطالب

اول - اصول حقوق بين الدول.....	۵
تعريف خشونت برضد زنان	۵
اسناد بين المللى	۶
فشرده اى از سفارش عمومى شمار ۱۹	۸
خشونت به مثابه شکنجه	۱۲
منازعه مسلحانه	۱۳
مطالعه عميق سرمنشى سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۶.....	۱۴
معاهدات / اسناد منطقه يى	۱۴
دوم - اقدامات دولت	۱۶
چارچوب حقوقى و برنامه يى	۱۶
نظام جزائى عدلى	۱۶
رسيدگى به مجنى عليه	۱۶
خدمات حمايوى	۱۷
تغيير دادن رفتار و عادات	۱۷
ظرفيت سازى و آموزش	۱۸
ارقام و احصائيه	۱۸
سوم - آراى قضائى حقوق بين الدول مقاييسوى - هتك ناموس	۱۸
محكمه بين المللى جزا براى رواندا	۱۹
محكمه حقوق بشر بين الامريكائى	۲۰
محكمه حقوق بشر اروپا	۲۱
ستره محكمه هند	۲۳

خشونت بر ضد زنان: حقوق بین الدول

اول - اصول حقوق بین الدول

هر شخص به عنوان انسان از حقوق معین اساسی بشر برخوردار است. هم سازمان ملل متحد و هم سازمانهای منطقه‌ی حقوق بشر مانند شورای اروپا و اتحادیه‌ی اروپا حقوق بشر زنان و وجایب مربوط حکومت را در قبال حفظ و رشد این حقوق مشخصاً به رسمیت شناخته‌اند.

حقوق بشر زنان در معاهدات، کنوانسیونها، قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و رهنمودهای که یا از جانب سازمان ملل متحد و یا توسط یک اداره‌ی حقوق بشر منطقه‌ی انفاذ گردیده، تسجیل یافته‌اند. معاهدات به گونه‌ی رسمی از جانب حکومت ملی به تصویب رسیده و سپس این حکومت را به وجایب قانوناً الزامی متعهد می‌سازد. هر کشوری که یک معاهده‌ی حقوق بشر را امضاً کرده باشد باید تضمین نماید که حقوق بشر اتباع آن حفظ می‌شود. این بدان معنی است که حکومت هم به خودداری و هم منع اعمالی که ناقض حقوق بشر باشد خود را متعهد دانسته اقدامات مثبت را در جهت اینکه چنین تخطی‌ها صورت نگیرد، اتخاذ می‌نماید.

بر اساس حقوق بین الدول، ادارات معین اجرائی اکثر ادارات تخصصی، کمیته‌ها یا گذارشگران خاص اوضاع حقوق بشر یک کشور را مورد نظارت قرار می‌دهند. این ادارات گذارشات و شکایات در باره‌ی تخطی‌های حقوق بشر را که عموماً از جانب سازمانهای غیر حکومتی ولی بعضاً از جانب اشخاص انفرادی نیز ارائه می‌شود، مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

قوانین بین المللی حقوق بشر تبعیض و خشونت بر ضد زنان را واضحاً منع قرار داده راههای تعیین وجایب حکومت در قبال رشد و حفظ حقوق بشر زنان را بیان داشته می‌کنند. وجایب حکومت را در صورت عدم اجرای وجایب مذکور فراهم می‌سازد.

تعریف خشونت بر ضد زنان

در اعلامیه‌ی سازمان ملل متحد پیرامون امحای خشونت بر ضد زنان^۱، آمده است که خشونت بر ضد زنان عبارت است از:

^۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۲۰ دسامبر سال ۱۹۹۳.

"هر عمل خشونت مبتنی بر جنسیت که به لطمه یا رنج جسمی، جنسی یا روحی زنان منتج شود یا احتمالاً منتج خواهد شد بشمول تهدید کردن به چنین اعمال، زور و جبر یا سلب آزادی چه در زندگی عامه یا چه در زندگی شخصی."

خشونت مبتنی بر جنسیت برضد زنان خشونتی است که "برضد یک زن بخاطر اینکه او یک زن است تعمیم می‌گردد یا زنان را به گونه غیر متناسب متأثر می‌سازد".

تعبیرات مترقی از تعریف این خشونت که در اعلامیه سازمان ملل متحد آمده است بیان می‌دارد که اعمال حذفکاری مانند چشم پوشی یا سلب حقوق می‌تواند خشونت برضد زنان به حساب آید. در اسناد جدیدتر حقوقی بین‌المللی این تعریف گسترش یافته خشونت ساختاری نیز در آن شامل شده است. خشونت برضد زنان حاوی خشونتهای ذیل بوده ولی محدود به آنها نه می‌باشد:

- خشونت در خانواده
- خشونت برضد زنان در جامعه
- خشونت مبتنی بر جنسیت که از جانب دولت انجام یا اغماض شود.

هدف از خشونت در کتگوریهای فوق الذکر ممکن است جسمی، روحی یا جنسی باشد. ممکن است چنین خشونت از طریق سلب یا چشم پوشی، که برخلاف اعمال اشکار خشونت یا پیگرد است، متبازر گردد. اینها کتگوریهای متقابلاً منحصر نیست.

اسناد بین‌المللی

اعلامیه جهانی حقوق بشر (سال ۱۹۴۸) - سنگ تهادب نظام حقوق بشر ملل متحد - حکم می‌کند که هر شخص باید بدون تبعیض از حقوق بشر مستفید گردد.

- ماده ۳: هر شخص حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد
- ماده ۵: هیچ شخص مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار نمی‌گیرد
- ماده ۸: هر شخص حق دارد که در محاکم ملی اعمالی را که حقوق اساسی وی مندرج قانون اساسی یا قانون دیگر را نقض کند مورد رسیدگی مؤثرانه قراردهد.

شماری از اسناد دیگر بین المللی که مشخصاً به زنان ارتباط نمی گیرد نیز زنان را در برابر خشونت محافظت می کند. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ به گونه مثال به طور کل انسان را در برابر خشونت حفظ می کند.

- ماده ۷: هیچ شخص مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات مستبدانه، غیربشری یا تحقیرآمیز قرار نمی گیرد.
- ماده ۹: هر شخص حق آزادی و امنیت شخصی دارد.

کنوانسیون ملل متحد پیرامون امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان^۳ از کشورهای عضو (حکوماتی که به تعهد خویش نسبت به کنوانسیون موافقه کرده اند) صریحاً می طلبد تا "کلیه اقدامات لازم بخاطر امحای تبعیض از جانب یک شخص، سازمان یا اداره برضد زنان را اتخاذ نمایند". حق عدم تبعیض آنقدر مبرم و اساسی است که از جمله یکی از حقوقی که نمی توان آنرا در هیچ احوال کنار گذاشت یا تنقیض کرد به شمار می آید. هرچند میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان مستقیماً به "خشونت برضد زنان" اشاره نمی کند، ولی مواد و مفردات ضد تبعیض این میثاق بخاطر حراست غیر مستقیم زنان در برابر خشونت است. در سال ۱۹۸۲ کمیته امحای تبعیض برضد زنان به منظور نظارت تطبیق میثاق فوق الذکر تأسیس گردید. این کمیته واضحاً اعلام داشت که کلیه اشکال خشونت برضد زنان در تعریف تبعیض که در این میثاق بیان شده است می گنجد. کمیته فوق از کشورهای عضو به گونه منظم تقاضا بعمل می آورد تا تدابیری را در جهت رفع خشونت اتخاذ نمایند.

حق زنان مبنی بر عاری بودن شان از خشونت در سفارش عمومی شماره ۱۹^۴ کمیته امحای تبعیض برضد زنان نیز بیان شده است. این سفارش عمومی به گونه قاطعانه و روشن پیوند میان خشونت و تبعیض را بیان داشته تاکید می کند که خشونت برضد زنان شکلی از تبعیض جنسیت را تشکیل داده و خود تبعیض دلیل عمده چنین خشونت می باشد.

^۲ به تاریخ ۲۳ مارچ سال ۱۹۷۶ به منصفه اجرا درآمد.

^۳ به تاریخ ۳ سپتامبر سال ۱۹۸۱ به منصفه اجرا درآمد.

^۴ این سفارش از جانب کمیته امحای تبعیض برضد زنان در ۱۱-مین اجلاس آن کمیته در سال ۱۹۹۲ ارائه گردید.

فشرده ای از سفارش عمومی شمار ۱۹

۷. خشونت مبتنی برجنسیت که زمینه استفاده زنان از حقوق بشر و آزادی های اساسی مندرج حقوق بین الدول یا کنوانسیونهای حقوق بشر را از میان برده یا متضرر می سازد بر اساس مفهوم ماده ۱ میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان به مثابه تبعیض است. این حقوق و آزادی ها مشتمل اند بر:

۱. حق زندگی؛
۲. حق عدم شکنجه یا رفتار یا مجازات مستبدانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز؛
۳. حق حفاظت علی السویه مطابق به نورمهای بین المللی حین منازعه بین المللی یا داخلی؛
۴. حق آزادی و امنیت شخصی؛
۵. حق حفاظت علی السویه مطابق قانون؛
۶. حق تساوی در خانواده؛
۷. حق نیل به عالیترین سطح صحت جسمی و روحی؛
۸. حق شرایط عادلانه و مساعد کار.

۸. کنوانسیون در مورد خشونتی که از جانب مقامات دولتی تعمیم می شود نیز صدق می کند. چنین اعمال خشونت ممکن است علاوه بر نقض این میثاق ناقض وجایب دولت در قبال قوانین عمومی بین المللی حقوق بشر و سایر کنوانسیونها نیز باشد.

۹. اما تأکید شده است که تبعیض مندرج میثاق فوق الذکر محدود به اعمالی نمی شود که از جانب دولت و یا به نمایندگی از آن انجام می یابد (مراجعه شود به فقره (ه) ماده ۲، فقره (و) ماده ۲ و ماده ۵). به گونه مثال، بر اساس فقره (ه) ماده ۲ در میثاق از کشورهای عضو تقاضا بعمل می آید تا کلیه اقدامات لازم را در راه امحای تبعیض برضد زنان که از جانب یک شخص، سازمان یا اداره تعمیم می شود، اتخاذ نمایند. مطابق قوانین عمومی بین الدول و کنوانسیونهای مشخص حقوق بشر، کشورها همچنان مسئول اعمال شخصی و فراهم ساختن تلافی بوده می توانند هرگاه آنها در عرصه جلوگیری از تخطی های حقوق اقدام مصرانه نه کنند و یا اعمال خشونت را مورد تحقیق و مجازات قرار ندهند.

سفارش ویژه

۲۴. ... کمیته امحای تبعیض برضد زنان سفارش می کند:

- (أ) کشورهای عضو باید تدابیر لازم و مؤثری را در راه رفع تمام اشکال تبعیض جنسیت که چه از طرف دولت و یا چه از جانب شخص تعمیم شود اتخاذ نمایند؛
- (ب) کشورهای عضو باید سعی نمایند که قوانینی که برضد خشونت خانوادگی و بدرفتاری، هتک حرمت، تجاوز جنسی و سایر خشونتهای مبتنی بر جنسیت وضع می گردد متضمن حفاظت کافی برای تمام زنان بوده عفت و کرامت شان احترام گذارده می شود. برای متضرران بایست خدمات لازم محافظوی و حمایوی فراهم گردد. آموزش و تربیه کارمندان قضائی و مجریان قانون در راه تطبیق مؤثر میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان خیلی ارزنده می باشد.
- (ج) کشورهای عضو بایست پیشبرد احصایه ها و پژوهشها در عرصه گستره، علل و تأثیرات خشونت و مؤثریت تدابیر جلوگیری و کنترل خشونت را تشویق نمایند؛
- (د) اقدامات مؤثر باید در راه تأمین این امر اتخاذ گردد که رسانه ها به زنان احترام گذاشته و احترام به آنها را رشد دهند.
- (ه) کشورهای عضو باید در گزارشهای شان ماهیت و گستره برخوردها، رسوم و رواجهای که باعث خشونت برضد زنان می شوند و انواع خشونتهای ناشی از آن را تشخیص دهند. آنها باید همچنان اقداماتی را که در راه رفع خشونت اتخاذ نموده اند و تأثیر این اقدامات گزارش بدهند؛
- (و) تدابیر مؤثری باید در جهت رفع رسوم و رواجهای فوق الذکر اتخاذ شود. کشورهای عضو باید برنامه های تربیوی و معلوماتی را به منظور امحای پیشداوریهای که مانع تساوی زنان می شود (سفارش شماره ۳، سال ۱۹۸۷) رویدست گیرند؛
- (ز) اقدامات مشخص وقایوی و جزائی برای رفع تجارت و بهره برداری جنسی زنان لازم و ضروری می باشد؛
- (ح) کشورهای عضو باید در گزارشات خویش گستره تمام این پروبلمها و اقدامات اتخاذشده بشمول اقدامات جزائی، وقایوی و احیائی بخاطر حمایه زنانی را که درگیر فحشا اند و یا در معرض تجارت و سایر اشکال بهره برداری جنسی قرار دارند، توضیح داده مؤثریت این اقدامات را برشمارند.
- (ط) طرزالعملها و رسیدگی های مؤثر شکایات بشمول تلافی خساره باید فراهم گردد.
- (ی) کشورهای عضو باید در گزارشات خویش معلومات مربوط به پیگرد جنسی و تدابیر جهت حفظ زنان در برابر پیگرد جنسی و سایر اشکال خشونت و جبر در محل کار را بگنجانند؛
- (ک) کشورهای عضو برای آسیب دیدگان خشونت خانوادگی، هتک حرمت، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسیت، باید خدماتی را بشمول سرپناه، کارکنان مسلکی صحی، احیای مجدد و مشورتی ایجادنموده واز آنهاحمایت نمایند؛

- (ل) کشورهای عضو باید تدابیری را جهت رفع این اعمال اتخاذ نموده و سفارش کمیته مبنی بر ختنه کردن اناث (سفارش شماره ۱۴) را حین گذارش روی مسایل صحی در نظر گیرند.
- (م) کشورهای عضو باید سعی نمایند که تدابیر جهت جلوگیری از تشدد در مسائل القاح و تکثر اتخاذ گردد و زنان مجبور نشوند تا بخاطر کنترل حاملگی درحالات فقدان خدمات لازم به راههای غیر صحی مانند سقط جنین غیرقانونی متوسل گردند؛
- (ن) کشورهای عضو باید در گذارشات خویش گستره این پروبلمها را تذکر داده اقداماتی را که در زمینه اتخاذ کرده اند و تأثیر این اقدامات برملا سازند؛
- (س) کشورهای عضو باید سعی نمایند که خدماتی که برای آسیب دیدگان خشونت مهیا شده به زنان اطراف و دهات نیز قابل دسترسی باشند و در صورت لزوم برای محلات دوردست و منزوی خدمات خاص فراهم گردد؛
- (ع) اقدامات محافظوی زنان در برابر خشونت باید شامل فرصتهای آموزشی و اشتغال و نیز نظارت بر شرایط کار کارگران خانگی باشد؛
- (ف) کشورهای عضو باید در مورد خطراتی که در برابر زنان دهاتی قرار دارد، گستره و ماهیت خشونت و بدرفتاری با زنان، ضرورت و دسترسی آنها به حمایت و خدمات دیگر و مؤثریت اقدامات جهت رفع خشونت گذارش دهند؛
- (ص) اقدامات لازم جهت رفع خشونت خانوادگی باید شامل تدابیر ذیل باشد:
۱. مجازات جرمی عندالضرورت و رسیدگیهای مدنی در موارد خشونت خانگی؛
 ۲. تدوین قوانین به منظور ازمیان برداشتن رسم حمله یا قتل عضو انائیه خانواده تحت عنوان دفاع حرمت؛
 ۳. ایجاد خدمات به منظور مصئونیت و امنیت آسیب دیدگان خشونت خانوادگی، بشمول پناهگاهها، برنامه های مشوره دهی و احیائی؛
 ۴. برنامه های احیائی برای مرتکبین خشونت خانگی؛
 ۵. خدمات حمایوی برای خانوادههای که زنا یا حمله جنسی صورت گرفته است؛
- (ق) کشورهای عضو باید در مورد گستره خشونت خانگی و بدرفتاری جنسی و نیز پیرامون اقدامات وقایوی، توبیخی و ترمیمی اتخاذ شده گذارش دهند؛
- (ر) کشورهای عضو باید تمام اقدامات قانونی و سایر اقدامات لازم را جهت فراهم سازی حفاظت مؤثر زنان در برابر خشونت جنسیت اتخاذ نمایند منجمله اقدامات ذیل:
۱. تدابیر مؤثر قانونی بشمول مجازات، اصلاح مدنی و تلافی ضرر به منظور حفاظت زنان در برابر تمام انواع خشونت بشمول خشونت و بدرفتاری در خانواده، تجاوز جنسی و پیگرد جنسی در محل کار؛

۲. اقدامات وقایوی بشمول برنامه های معلومات عامه و آموزشی بخاطر تغییر برخوردهای مردم در رابطه با نقش و موقف زنان و مردان؛

۳. اقدامات حمایتی به شمول پناهگاهها، خدمات مشورتی، احیائی و حمایتی برای زنانی که از ناحیه خشونت آسیب دیده اند و یا در معرض خطر خشونت قرار دارند؛

(ش) کشورهای عضو باید پیرامون کلیه اشکال خشونت جنسیت گذارش بدهند و چنین گذارشات باید حاوی تمام آمار و ارقام مربوط به وقایع هریک از اشکال خشونت و تأثیرات این نوع خشونت بالای زنان آسیب دیده باشد؛

(ت) گذارشات کشورهای عضو باید حاوی معلومات در باره اقدامات قانونی، وقایوی و حمایتی ایکه بخاطر رفع خشونت برضد زنان اتخاذ شده اند و پیرامون مؤثریت این اقدامات باشند.

در ماه دسامبر سال ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه امحای خشونت برضد زنان را که در فوق به آن مراجع شده است به تصویب رسانید. در این اعلامیه خشونت برضد زنان به عنوان تخطی و نقض حقوق بشر قلمداد شده است. هدف از این اعلامیه این است تا چارچوب عمل و ارزیابی را در سطح ملی و بین المللی بدست دهد. در اعلامیه آمده است که خشونت برضد زنان " مظهر مناسبات از لحاظ تاریخی غیر مساوی میان مردان و زنان است که باعث تسلط و تبعیض مردان برضد زنان و جلوگیری رشد کامل زنان گردیده است."

در سال ۱۹۹۴ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تصمیم گرفت تا یک گذارشگر خاص در مورد خشونت برضد زنان بشمول اسباب و پیامدهای آن را تعیین نماید. با درک پروبلم جدی و گسترده خشونت برضد زنان گذارشگر خاص در مورد خشونت برضد زنان تعیین گردید. مأموریت این گذارشگر توسط کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ تمدید یافت که یک میکانیزم نهادی را برای بررسی ژرف و گذارشدهی منظم خشونت برضد زنان در سراسر جهان بوجود آورد. گذارشگر خاص از طریق ارزیابی ها، سفارشات و بازدیدهای خویش آگاهی از مسایل مربوط به خشونت برضد زنان را ارتقا بخشید. گذارشگر خاص در چارچوب ماموریت خویش وظایف ذیل را به عهده دارد:

- مراجعات و اطلاعات عاجل را در رابطه با موارد خشونت برضد زنان به کشورهای مربوط گسیل می دارد.
- به منظور حقیقت یابی به کشورها سفر می کند.
- گذارشهای سالانه را روی موضوعات مشخص ارائه می دارد.

اعلامیه و پلاتفرم عمل بیجنگ که توسط ۱۸۹ کشور در چهارمین کنفرانس جهانی پیرامون زنان در بیجنگ در سال ۱۹۹۵ به تصویب رسید این دستاوردها را استحکام بخشیده تأکید نمود که خشونت برضد زنان نقض حقوق بشر و مانع استفاده آنها از تمامی این حقوق است. پلاتفرم پیکنگ ۱۲ ساحت حاد مورد نگرانی را مشخص ساخت که مستلزم عمل عاجل بخاطر نیل به اهداف تساوی، انکشاف و صلح می باشند.

مجمع عمومی و کمیسیونهای فعال شورای اقتصادی و اجتماعی پیرامون خشونت برضد زنان به شکل منظم بحث کرده اند. کمیسیون موقف زنان^۵ یکی از کمیسیونهای این شورا می باشد. این کمیسیون سفارشات و گزارشات پیرامون رشد حقوق زنان در عرصه های سیاسی، اقتصادی، مدنی و اجتماعی را برای شورا تهیه می نماید. کمیسیون همچنان روی مسایل عاجل که طالب توجه فوری در عرصه حقوق زنان باشد به شورا تهیه می دارد.

سازمان ملل متحد به گونه عمومی تر سعی نموده است مسئله جنسیت را در تمام ساحات کار ملل متحد مدنظرگیرد. مگر طوری که در مطالعه عمیق ملل متحد در سال ۲۰۰۶ (پائینتر به آن مراجعه شده است) تذکر بعمل آمده است، در حالی که شمار ادارات ملل متحد که اکنون خشونت برضد زنان را یکی از نگرانی های شان فهرست داده اند چشمگیر است ولی کمیت منابع و توجه نسبت به این مسئله هنوز هم کوچک بوده و کار در این عرصه فاقد انسجام و هماهنگی مؤثر می باشد.

خشونت به مثابه شکنجه

میثاق ضد شکنجه و سایر رفتار و مجازات مستبدانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز^۶ صرف در صورتی قابل تطبیق است که همچو اعمال توسط یک مأمور دولت و یا شخصی که در موقف اجرای اختیارات رسمی است، انجام یافته باشد. قابل ملاحظه است که در ماده دوم ازدولت ها تقاضا بعمل آمده است تا جهت جلوگیری شکنجه به اقدامات مؤثر دست یازند.

در این میثاق اصطلاح "شکنجه" عبارت از هر عملی است که به موجب آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی به طور عامدانه بریک شخص وارد شود، بدین منظور که از او یا شخص ثالثی معلومات یا اقرار به دست آورده شود، او یا شخص ثالثی به خاطر ارتکاب عملی یا مظنون بودن به ارتکاب آن عمل مجازات شود، یا او یا شخص ثالثی مورد ارعاب یا اکراه قرار گیرد، و یا به طور کلی به هر منظوری که مبتنی بر هرنوع تبعیض باشد، هرگاه چنین درد یا رنجی را مأمور رسمی یا هر شخص دیگری که در موقف اجرای اختیارات رسمی است وارد کند یا به تحریک یا با رضایت یا به موافقت چنین شخص وارد شود. این

^۵ این کمیسیون طی قطعنامه شماره ۱۱ (۲) مورخ ۲۱ جون سال ۱۹۴۶ شورای اقتصادی و اجتماعی ایجاد گردید.

^۶ این میثاق به تاریخ ۲۶ جون سال ۱۹۸۷ نافذ گردید.

تعریف، درد یا رنجی را که فقط از مجازات قانونی ناشی می شود، در آن مضمربوده ویا بدان وابسته می باشد، شامل نمی گردد. (فقره (۱) ماده ۱).

هر کشور عضو اقدامات مؤثر تقنینی، اداری، قضائی و سایر تدابیر لازم را بخاطر جلوگیری از اعمال شکنجه در قلمرو و ساحه صلاحیت خویش اتخاذ می نماید (فقره (۱) ماده ۲).

هر کشور عضو در قلمرو و ساحه صلاحیت خویش اقدامات لازم را به منظور جلوگیری از اعمال مربوط به رفتار یا جزای مستبدانه، غیرانسانی و اهانت آمیز که مطابق تعریف مندرج ماده ۱ معادل به شکنجه نباشد اتخاذ می نماید هرگاه چنین درد یا رنجی را مأمور رسمی یا هر شخص دیگری که در موقف اجرای اختیارات رسمی است وارد کند یا به تحریک یا با رضایت یا به موافقت چنین شخص وارد شود (فقره (۱) ماده ۱۶).

منازعه مسلحانه

اعمال خشونت برضد زنان در جریان ی منازعه توسط قوانین بین المللی بشری بشمول کنوانسیونهای ژنیو ممنوع قرارداد شده است، قوانینی که بالای تمام طرفین درگیر منازعات مسلحانه چه در سطح ملی یا بین المللی باشد، صدق می کنند.

قطعنامه شماره ۱۳۲۵ سال ۲۰۰۰ شورای امنیت پیرامون زنان و صلح و امنیت یک سند تهدابی ای بود در راه رفع خشونت برضد زنان در حالات منازعه مسلحانه. در این قطعنامه بر ضرورت تطبیق کامل قوانین مبنی بر حفظ حقوق زنان و دختران در جریان منازعه مسلحانه و پس از آن تأکید بعمل آمده است.

اساسنامه محکمه جزاء بین المللی منعقد روم^۷ معاهده ایست که محکمه جزاء بین المللی را تأسیس نمود. در این سند چندین شکل تبعیض برضد زنان به مثابه جنایات جنگ و جنایات ضد بشر منع قرارداد شده است.

اعمال ذیل جنایات جنگ خوانده شده است:

- هتک حرمت
- بردگی جنسی
- فحشای اجباری
- حاملگی اجباری
- عقامت اجباری

^۷ به تاریخ اول جولای سال ۲۰۰۲ به منصف ۵ اجرا در آمد.

• و سایر اشکال خشونت جنسی ای که وخامت آن با اعمال فوق قابل مقایسه باشد.

اگر اعمال متذکره در چارچوب حمله گسترده یا سیستماتیک علیه افراد ملکی آگاهانه انجام یابند، آنها جنایات ضد بشر محسوب می شوند.

کنوانسیونهای ۱۹۴۹ ژنیو (و سه پروتوکول مزید)^۸

کنوانسیونهای ژنیو می طلبد که با تمام افرادی که در زدوخوردها سهم نمی گیرند بدون تمایز منفی برپایه هر علتی که باشد بشمول جنس، برخورد انسانی صورت گیرد (مراجعه شود به ماده ۳).

• ماده ۳ (۱): با افرادی که در زدوخوردها هیچگونه سهم فعال ندارند، بشمول اعضای قوای مسلح که سلاح خویش را به زمین گذاشته و آنهائیکه به موجب مریضی، جراحت، توقیف و بنابر دلایلی دیگری غیرمحراب می شوند در تمام اوضاع و احوال، بدون تمایز منفی برپایه هر علتی که باشد بشمول نژاد، جلد، مذهب یا عقیده، جنس، تولد یا ثروت و سایر معیارهای مشابه، برخورد انسانی صورت گیرد.

• ماده ۲۷ (کنوانسیون چهارم): ... " از زنان در برابر هر نوع تجاوز بر عزت و شرف شان، بخصوص هتک حرمت، فحشای جبری یا هر شکل توهین محافظت می شود."

مطالعه عمیق سرمنشی سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۶

در سال ۲۰۰۶ سرمنشی سازمان ملل متحد مطالعه عمیقی را در باره خشونت برضد زنان به نشر رسانید. این سند توسط بخش رشد زنان اداره امور اقتصادی و اجتماعی دارالانشای ملل متحد تهیه گردید.^۹ شماری زیادی از ادارات دولتی، سازمانهای غیرحکومتی و سایر گروهها و کارشناسان بین المللی در تهیه مواد این گزارش سهم گرفتند.

معاهدات / اسناد منطقه یی

شماری از معاهدات منطقه یی وجود دارند که زنان را در برابر خشونت محافظت می کنند. به گونه مثال، کنوانسیون حقوق بشر و آزادیهای اساسی اروپا، کمیسیون حقوق بشر امریکا، و منشور حقوق بشر و مردم

^۸ کنوانسیونهای ژنیو متشکل از چهار معاهده می باشد که در ژنیو تدوین شده و موازین حقوق بین الدول در رابطه با نگرانیهای بشرخواهانه را بیان می کند.

^۹ A/61/122/Add.1 مورخ ۶ جولای ۲۰۰۶

افریقا همه و همه دارای مواد و احکامی اند که به این مسئله ارتباط می‌گیرد هرچند مشخصاً به زنان اشاره نمی‌کند یعنی جنسیت در آنها مطرح نیست و در مجموع برخلاف خشونت اند.

کنوانسیون اروپا برای حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی (۱۹۵۰)^{۱۰} یک سند خیلی مهم است. تطبیق آن در نهایت امر تابع صلاحیت محکمه حقوق بشر اروپا در شهر استرازبورگ فرانسه می‌باشد.

- ماده ۳: هیچ شخص مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات غیرانسانی و اهانت آمیز قرار نمی‌گیرد.
- ماده ۸: هر شخص حق دارد که به زندگی شخصی و خانوداگی اش، به منزل و مراسلات او احترام شود.
- ماده ۱۳: به حال هر شخصی که حقوق و آزادیهایش، که در این کنوانسیون درج است، پامال و مورد تخطی قرار بگیرد از جانب مقام قضائی ملی حتی اگر این تخطی از جانب مأمورین دولتی هم سرزده باشد، رسیدگی مؤثر می‌شود.
- ماده ۱۴: استفاده از حقوق و آزادیهای که در این کنوانسیون تسجیل یافته اند بدون تبعیض از لحاظ جنس، نژاد، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، منشأ ملی یا اجتماعی، تعلقیت به یک اقلیت ملی، ملکیت، تولد یا حالت دیگر، مورد حفاظت قرار می‌گیرد.

کنوانسیون جلوگیری، مجازات و امحای خشونت برضد زنان بین الامریکا (کنوانسیون بیلیم دوپارا سال ۱۹۹۴)^{۱۱} یگانه سند بین المللی است (یعنی اعلامیه نیست) که مشخصاً بخاطر امحای خشونت برضد زنان تدوین یافته است. بارها از آن به عنوان مدل پیمان التزامی پیرامون خشونت برضد زنان یاد شده است. این سند فهرستی از وظایف دولت را در جهت جلوگیری و مجازات اعمال خشونت برضد زنان را بدست می‌دهد. در این کنوانسیون مواد ذیل مثالهای حفظ زنان در برابر خشونت است:

- ماده ۳: هر زن حق دارد هم در عرصه عامه و هم در زندگی شخصی عاری از خشونت باشد.
- ماده ۵: هر زن حق دارد از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش آزادانه و کاملاً مستفید گردد و می‌تواند به حفاظت کامل این حقوق مندرج اسناد منطقه‌یی و بین المللی حقوق بشر اتکا نماید. کشورهای عضو این حقیقت را درک می‌کنند که خشونت برضد زنان استفاده آنها از حقوق فوق الذکر را مانع شده و از میان می‌برد.

^{۱۰} این کنوانسیون توسط شورای اروپا به تصویب رسید و در ماه سپتامبر سال ۱۹۵۳ نافذ شد.

^{۱۱} این کنوانسیون توسط مجمع عمومی سازمان دول امریکائی منعقدۀ بیلیم دو پارا، برازیل به تصویب رسیده و به تاریخ ۳ می سال ۱۹۹۵ نافذ گردید.

- ماده ۷: کشورهای عضو تمام اشکال خشونت برضد زنان را محکوم نموده و موافقه می کنند تا با استفاده از وسایل لازم و بدون تأخیر سیاست‌هایی را در جهت جلوگیری، مجازات و امحای چنین خشونت در پیش گیرند

دوم – اقدامات دولت

چارچوب حقوقی و برنامه یی

ضرورت تنفیذ، تطبیق و نظارت قانون که حاوی تمام اشکال خشونت برضد زنان باشد در شماری از اسناد بین المللی و منطقه یی تسجیل یافته است. در دعوی X و Y در مقابل هالند (مراجعه شود به پائین) محکمه حقوق بشر اروپا دریافت که هالند با عدم تدوین قانون جزای لازم در باره هتک حرمت زن جوانی که از لحاظ روانی معیوب است مسئولیتهای خویش را در قبال حقوق بشر نقض کرده است.

نظام جزائی عدلی

دولت ها وظیفه دارند اعمال خشونت برضد زنان را مورد تحقیق قرار دهند. در چنین تحقیقات بایست شیوه های به کار گرفته شود که زنان اهانت نشوند. در قضیه م.سی. در مقابل بلغاریا (مراجعه شود به پائین) محکمه حقوق بشر اروپا وظیفه مثبت دول در جهت تأمین مؤثریت قانون جزا از طریق تحقیق و تعقیب مؤثر حمایت نمود.

همراه با تحقیق دول وجبیه مثبت دارند تا مرتکبین خشونت برضد زنان را مورد تعقیب عدلی و مجازات قرار دهند. نورمها و موازین اجراءات جزائی بشمول اصول مدارک و مراحل بایست به طریقی که حساسیت جنسیت محفوظ گردد بکار گرفته شود تا زنان مجدداً در معرض خشونت قرار نگیرند. ستراتیژیهای که بر اساس آن در اجراءات جزائی حساسیت جنسیت تقویه شود مستلزم ساده ساختن مراحل قانونی، محرمت مجنی علیه، حفاظت شهود و داشتن پرسونل مسلکی می باشد.

رسیدگی به مجنی علیه

دول وجبیه دارند برای زنانی که از ناحیه خشونت زیان دیده اند چاره های عادلانه و مؤثر را فراهم سازند. به طور عمومی، ای چاره ها چی اند: دسترسی به عدالت، ترمیم زیان، اعاده، تلافی، احیا، تضمینات وقایه و

غیره. قوانین مدنی باید تدابیر جزائی را تکمیل نموده و سهم مهمی را در فراهم ساختن جبران و التیام مجنی علیه ادا نمایند. تجربه نویدبخشی که در این عرصه معمول است همانا موجودیت چاره های مدنی مانند دساتیر حفاظت مدنی، قوانین ضد تبعیض، قوانین مدنی بخاطر اقامه دعوی علیه مرتکبین و مأمورین دولتی بخاطر تلافی، و ایجاد صندوقهای وجهی برای جبران خساره مجنی علیه می باشد.

خدمات حمایتی

زنانی که از ناحیه خشونت آسیب دیده اند به خانه، حمایه طبی، روانی و غیره، مساعدت حقوقی و خدمات دیگری که در برخی از اسناد تسجیل یافته اند، ضرورت دارند. در قضیه ای.تی مقابل هنگری^{۱۲} مدعی به سرپناه دسترسی نداشت زیرا هیچ کس در کشور از او و دو طفل اش که یکی آن هم معیوب بود، حمایت نمی کرد. علاوه بر قوانین هنگری دساتیر محافظوی یا احکام بازدارنده وجود نداشت. کمیته امحای تبعیض برضد زنان دریافت که در جاده های که برای مدعی قابل دسترسی بود امکان آن وجود نداشت که وی در برابر برخورد نادرست همسر اسبق اش محافظت شود. کمیته خاطر نشان ساخت که بخاطر دسترسی مصئون و عاجل به عدالت منجمله، در صورت لزوم، مساعدت رایگان حقوقی، به چاره ها و امکانات احیایی قابل دسترسی، مؤثر و کافی برای آسیب دیدگان خشونت خانگی ضرورت است.

تغییر دادن رفتار و عادات

میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان از کشورهای عضو می طلبد تا عادات و رسوم اجتماعی و فرهنگی را که منجر به تبعیض و نقشهای کلیشه یی زنان و مردان می شود رفع نمایند. کنوانسیون بیلیم دو پارا از کشورهای عضو می طلبد تا "رواجهای قانونی یا عرفی ایرا که به دوام موجودیت و تحمل خشونت برضد زنان کمک می کند تعدیل نمایند".

نقش روش مبتنی بر رواجهای اجتماعی - فرهنگی طی تحقیقاتی که از جانب کمیته میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان در رابطه با اختطاف، هتک حرمت و قتل زنان در منطقه سیداد خوریز در مکسیکو انجام یافت خاطر نشان گردید. این کمیته تأکید ورزید که تغییر وضع مستلزم یک پاسخ فراگیر و همپیوند می باشد.

^{۱۲} اطلاع شماره ۲ / ۲۰۰۳، ۲۰۰۵ کمیته میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان

ظرفیت سازی و آموزش

تمام آنانی که به خشونت برضد زنان پاسخ می گویند مانند مأموران مجری قانون، کارمندان دفاتر مهاجرین، منسوبان قضایی و پرسونل طبی و کارگران اجتماعی، به ظرفیت مقابله به چنین خشونت با حفظ حساسیت جنسیت نیاز دارند.

ارقام و احصائیه

آمار، ارقام او اسناد دقیق و جامع در نظارت و ارتقای مسئولیت دولت در قبال خشونت برضد زنان و طرحریزی پاسخهای مؤثر خیلی مهم و با ارزش اند. نقش دولت در رشد تحقیقات، جمع آوری ارقام و جمعبندی احصایه در اسناد برنامه بی انعکاس یافته است.

سوم - آرای قضائی حقوق بین الدول مقایسوی - هتک ناموس

خشونت جنسی برضد زنان در یک فرهنگ فراگیر تبعیض ریشه دارد که حقوق مساوی زنان با مردان را رد نموده و تصاحب خشونت آمیز جسم زن برای ارضای فردی یا مقاصد سیاسی را قانونی و شهوانی می سازند. نورمهای اجتماعی و فرهنگی که حقوق مساوی زنان با مردان را نمی پذیرد در واقعیت امر زنان را در برابر سؤاستفاده جنسی آسیب پذیرتر می سازد.

مطابق به موازین بین المللی حقوق بشر کشورها مکلف اند خشونت جنسی توسط دولت یا نمایندگان دولتی را متوقف سازند. خشونت جنسی برضد زنان در جریان اوضاع جنگی، زمانی که زنان به عنوان افراد مهاجر یا اشخاص بیجا شده آسیب پذیر می باشند، در موارد توقیف، جایی که زنان به بردگی کشانیده شده و یا به حیث کارگران خانگی مورد بهره برداری قرار می گیرند، در ازدواج، در فحشای جبری، تجارت زنان و در بریدن آله تناسلی اناث به وقوع می پیوندد. مطابق به مطالعه عمیق ملل متحد سال ۲۰۰۶ (مراجعه شود به بالا) توسل به هتک حرمت به عنوان وسیله جنگ و آشوب برضد زنان سیستماتیک ترین اشکال خشونت برضد زنان در مواقع منازعات به شمار می رود.

موارد ذیل مشخصاً به مسئله هتک حرمت و رسیدگی به آن بر مبنای حقوق بین الدول اشاره می کنند.

محکمه بین المللی جزا برای رواندا

این محکمه خشونت جنسی منجمله هتک حرمت را به عنوان اعمال شکنجه، به مثابه جرایم ضد بشریت و یک عنصر نژادکشی در برخی موارد تعریف نموده است. به تاریخ ۲ اکتوبر سال ۱۹۹۸، در قضیه حارنوال در برابر ژان پال اکایی سو^{۱۳} محکمه بین المللی جزا برای رواندا شاروال اسبق ژان پال اکایی سو را بخاطر نژادکشی و جنایات ضدبشریت به سه بار حبس ابد و بخاطر خشونت‌هایش بشمول هتک حرمت زنان و تشویق خشونت جنسی گسترده به ۸۰ سال محکوم نمود. این جنایات از قتل‌های عام نژاد توتسی در محله تبا در سال ۱۹۹۴ ناشی می‌شود. برای نخستین بار بود که یک محکمه بین المللی خشونت جنسی را در یک جنگ داخلی مجازات نمود و نخستین بار بود که هتک حرمت به مثابه عمل نژادکشی و عمل شکنجه به حساب آمد.

دیوان محاکمه خاطرنشان ساخت که نژادکشی در میثاق جلوگیری و مجازات جنایات نژادکشی به عنوان " عمل ارتکاب جنایات معین بشمول قتل اعضای یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی یا واردآوردن لطمه و زیان جدی جسمی و روحی به اعضای گروه به مقصد امحای کامل یا قسمی آن " تعریف شده است. این دیوان دریافت که نژادکشی که هدف از آن گروه توتسی در رواندا بود در سال ۱۹۹۴ ارتکاب یافت. دیوان معتقد شد که هرچند موجودیت یک منازعه مسلحانه می‌توانست نژادکشی را از طریق فراهم ساختن بهانه برای برانگیختن خشونت برضد توتسی ها و تفکیک آنها به حیث طرف نظامی تسهیل نماید، ولی موجودیت منازعه مسلحانه نمی‌تواند حالت تخفیفی برای جنایات نژادکشی باشد. دیوان تذکار نمود که اکایی سو در مقام رسمی خویش بالای پولیس محل صلاحیت کامل داشت مسئولیت حفظ نظم را به عهده داشت، ولی پس از ۱۸ اپریل سال ۱۹۹۴ وی در اعمال خشونت برضد توتسی ها بشمول موارد مسلحانه هتک ناموس حاضر بوده و حتی فرمان چندین کشتار را صادر کرده بود.

دیوان محکمه اظهار داشت که در حقوق بین الدول برای کلمه " هتک ناموس " تعریفی که مورد پذیرش عام بوده باشد وجود ندارد. این دیوان به ذکر اینکه هتک ناموس شکلی از تجاوز است، این کلمه را چنین تعریف نمود: هتک ناموس عبارت است از " اعمال تجاوز جسمی دارای خصلت جنسی در حالت اجبار بالای شخص. خشونت جنسی بشمول هتک ناموس به تجاوز جسمی جسم انسان محدود نشده بلکه می‌تواند شامل اعمالی که در آن دخول و تماس جنسی صورت نگرفته باشد، شود. دیوان در این زمینه خاطرنشان ساخت که حتمی نیست که حالت اجبار با نشان دادن نیروی جسمی ثابت شود. تهدید، رعب،

^{۱۳} شماره دوسیه: ICTR-۹۶-۴-T

زورستانی و سایر اشکال جبر و اکراه که باعث ارعاب و یأس می شود نیز حالت اجبار تلقی شده می تواند.

دیوان محکمه دکتین " تعدد تصویری تخلفات " را بکار گرفته اعلام داشت که هرچند نژادکشی و جنایات ضد بشر جرایم جداگانه اند، صدور حکم در هردو مورد که علل آن یک عمل است امکان پذیر می باشد. این دیوان اظهار داشت که نژادکشی یک جنایت " خاص عمدی " است که مستلزم یک قصد خاص بخاطر از میان بردن یک فرد یا چندین افراد به عنوان عضو یک گروه بوده و قربانی عمل نژادکشی خود گروه باشد نه صرف فرد و این قصد می تواند از سیاق موضوع اعمال خاص استنباط شود. محکمه جنایات شراکت در نژادکشی و برانگیختن مستقیم و عام افراد به ارتکاب نژادکشی را تعریف نموده و نیز به فیصله های قبلی قضائی در مورد جنایات ضدبشری مراجعه نموده بیان داشت که این عمل " جز تجاوز گسترده و سیستماتیک برضد افراد ملکی براساس دلایل تبعیضی " به شمار می آید.

محکمه با اتفاق نظر اکایی سو را محکوم نموده مقصر نژادکشی، جنایات ضدبشری بشمول نابودکردنها، هتک ناموس، قتل، شکنجه و اعمال غیرانسانی و نیز برانگیختن مستقیم و عام افراد بخاطر ارتکاب نژادکشی دانست. دیوان محکمه اظهار داشت که آرزو دارد تأکید نماید که به نظر آن عمل هتک ناموس و تجاوز جنسی مبتنی بر حقایق "مانند هر عمل دیگر نژادکشی تلقی میگردد" و هتک ناموس و خشونت جنسی "بدترین راههای واردکردن زیان بالای شخص است زیرا او هم جسماً و هم روحاً صدمه می بیند".

محکمه حقوق بشر بین الامریکائی

راکیل مارتی دی میهیا در برابر پیرو، دوسیۀ شماره ۱۰،۹۷۰، گذارش شماره ۹۶/۵، محکمه حقوق بشر بین الامریکائی (سال ۱۹۹۶)

این قضیه اکثراً به عنوان تفسیر معتبر احکام منع هتک ناموس مندرج کنوانسیون امریکا به مثال گرفته می شود. حقایق مربوط به این قضیه چنین است: میهیا مدیر مکتیب معیوبین در پیرو بود که توسط یکی از منسوبین واحد نظامی ضد شورشیان پیرو مورد هتک ناموس قرار گرفت. قبلاً محکمه حقوق بشر بین الامریکائی تنها می خواست هتک ناموس را به حیث مداخله محرمیت که در ماده ۱۱ کنوانسیون امریکا ممنوع قرارداده شده، یا یک شکل نسبتاً خفیف رفتار غیرانسانی که در ماده ۵ این کنوانسیون منع قرار داده شده است، بشناسد.

اما در این قضیه محکمه مذکور درک نمود که هتک ناموس می تواند به سطح شکنجه که یک شکل وخیم رفتار غیرانسانی می باشد و توسط ماده ۵,۲ کنوانسیون منع قرارداد شده است، برسد. محکمه اعلام داشت که هتک ناموس در صورتی شکنجه تلقی شده می تواند که هتک ناموس: "

۱. عمل قصدی ای باشد که از طریق آن بالای شخص درد و رنج جسمی و روحی وارد شود؛

۲. به یک هدف ارتکاب شود؛ و

۳. از جانب یک مأمور دولتی یا شخص غیررسمی ای که به تحریک وی مرتکب آن شود."

محکمه بالاخره در قضیه میهیا مدارکی را برای هر یک از اجزای مذکور شکنجه بدست آورد: " راکیل میهیا قربانی هتک ناموس گردیده که باعث درد و رنج جسمی و روحی وی شده بود ... به وی به مقصد اینکه وی را شخصاً مجازات و بهرساند تجاوز می شود ... شخصی که به وی تجاوز کرده بود مربوط به نیروهای امنیتی می شد."

محکمه بر اساس ارزیابی خویش نتیجه گیری نمود که هتک ناموس در قضیه میهیا عمل شکنجه محسوب می گردد. چون یک کارمند رسمی دولت پیرو مرتکب هتک ناموس وی شده است، آن محکمه مسئولیت این عمل را به دولت پیرو ارجاع می سازد. محکمه از مقامات پیرو خواست تا مرتکبان را مجازات نموده و به مجنی علیه جبران خساره بدهد.

محکمه همچنان در قضیه میهیا تأکید ورزید که هتک ناموس نه تنها تخطی فاحش ماده ۵ کنوانسیون امریکا بوده بلکه همچنان نقض ماده ۱۱ آن کنوانسیون به شمار می آید. ماده ۱۱,۱ حق محرمیت را تضمین نموده از حق احترام به عزت و کرامت انسان حفاظت می نماید. محکمه توضیح نمود که " ... تجاوز جنسی به معنی دستبرد عمدی به کرامت انسان است و از همین لحاظ این موضوع شامل مفهوم 'زندگی شخصی' می شود."

محکمه حقوق بشر اروپا

محکمه حقوق بشر اروپا هنگامی که نمایندگان دولت مرتکب هتک ناموس می شوند و یا دولت در سطح ملی تدابیر لازم حقوقی را در این زمینه مهیا نسازد، مسئولیت آنرا به دوش کشورهای عضو می گذارد.

محکمه حقوق بشر اروپا مانند محکمه حقوق بشر بین الامریکائی در ابتدا هتک ناموس را به عنوان تخطی از حق محرمیت شخص تعریف کرده بود. در قضیه X و Y در برابر هالند مؤرخ ۲۶ مارچ ۱۹۸۵ محکمه حقوق بشر اروپا دریافت که هتک ناموس حق محرمیت شخص را محدود می سازد. عارضین ادعا کردند که خسربه مدیر پرورشگاه اطفال معیوب در هالند، که یک اداره شخصی بود، به یک باشنده ۱۶ ساله تجاوز جنسی نموده است.

محکمه دریافت که زندگی شخصی، آن سانیکه در ماده ۸ بیان شده است، " شامل تمامیت جسمی و اخلاقی شخص بوده و زندگی جنسی او را نیز احتوا می کند. " هرچند در این قضیه یک نماینده حکومت هلند عمل هتک ناموس را انجام نداده است، ولی باوجود آن محکمه حکومت هلند را مسئول آن دانست زیرا آن حکومت با عدم ایجاد قانونی که در آن مجازات هتک ناموس یک دختر جوان معیوب پیش بینی شده باشد تدابیر لازم را در سطح ملی فراهم نساخته است. محکمه به حکومت هلند حکم نمود به مجنی علیه ۳۰۰۰ گیلدر پول هلندی به عنوان جبران خساره بپردازد.

اما سرانجام محکمه حقوق بشر اروپا از پیشرفت آرای قضائی محکمه حقوق بشر بین الامریکائی استفاده نموده هتک ناموس را به مثابه شکنجه، یعنی شکل شدید رفتار غیرانسانی دانست.

آیدین در برابر ترکیه - ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۹۷

این قضیه ثابت ساخت که هتک ناموس می تواند نقض ماده ۳ کنوانسیون حقوق بشر اروپا گردد (در این ماده شکنجه یا رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز منع قرارداده شده است) زیرا هتک ناموس در برخی موارد به معنی شکنجه بوده می تواند. در قضیه آیدین محکمه حقوق بشر اروپا اتهامات مبنی بر اینکه یک منسوب قوای ژاندارم ترکیه یک دختر ۱۷ ساله کردی را که غیرقانونی توقیف شده بود مورد تجاوز جنسی قرار می دهد، مورد غور قرار داد. محکمه بیان داشت که " لکه خاص شکنجه " صرف به " رفتار عمدی غیرانسانی که باعث رنج خیلی جدی و ظالمانه می شود " اطلاق می گردد.

خیلی مهم است که محکمه حقوق بشر اروپا تأیید نمود که مطابق مواد کنوانسیون حقوق بشر اروپا حتمی نیست که هر ارتکاب هتک حرمت توسط مأمور دولت به مثابه شکنجه پنداشته شود. ولی محکمه خاطرنشان ساخت که " تجاوز جنسی به یک زن محبوس توسط یک مأمور دولت باید به عنوان یک شکل خاصاً وخیم و نفرت انگیز بدرفتاری پنداشته شود که وی با سؤاستفاده از آسیب پذیری و بیدفاعی مجنی علیه به این عمل دست می زند. " محکمه همچنان اقدام دولت در قضیه آیدین را به مثابه عامل مهم در رفع مطالبات شدت موازین دانست. محکمه همچنان تأکید ورزید که یک مجنی علیه از " درد حاد جسمی ناشی از دخول جبری رنج برده احساس اش را جسماً و روحاً مختنق و جریحه دار می سازد. " محکمه نتیجه گیری نمود که ترکیه از وجایب خویش در قبال کمیسیون حقوق بشر اروپا با عدم اتخاذ تدابیر لازم حقوقی در سطح ملی عدول کرده است و فیصله نمود که آنکشور مبلغ ۲۵۰۰۰ پوند سترلنگ به عنوان جبران به مجنی علیه خساره بپردازد.

ام. سی. در مقابل بلغاریا - ۴ دسامبر سال ۲۰۰۳

ام. سی. به محکمه شکایت نمود که در قوانین و مقررات بلغاریا حمایت مؤثر در مقابل هتک ناموس و تجاوز جنسی پیشبین نشده بلکه صرف مواردی که مجنی علیه فعالانه از خود مقاومت نشان بدهد مورد تعقیب عدلی قرار می گیرند. این خانم ادعا نمود که دولت بلغاریا مطابق به کنوانسیون حقوق بشر اروپا مکلفیت دارد تا سلامت جسمی و زندگی خصوصی شخص را حفاظت نموده و در این عرصه تدابیر لازم حقوقی اتخاذ نمود. وی همچنان شکایت نمود که مقامات دولتی حوادث به طور مؤثرانه مورد تحقیق قرار نداده اند. وی به ماده ۳ (منع رفتار تحقیرآمیز)، ماده ۸ (حق احترام به زندگی خصوصی)، ماده ۱۳ (حق تدابیر لازم حقوقی) و ماده ۱۴ (منع تبعیض) استناد نمود.

عارض تبعه بلغاریا بوده در سال ۱۹۸۰ به دنیا آمده و ادعا می نماید که وی زمانیکه چهارده سال و ده ماه عمر داشت توسط دو مرد مورد تجاوز جنسی قرار می گیرد. تحقیق در این زمینه به این نتیجه گیری به پایان رسید که دلایل و مدارک اثبات مقاربت جنسی اجباری با عارض ناکافی بود. شرح انوال ناحیه که معتقد شد که اعمال زور یا تهدید واضحاً ارائه نگردید بود، به اجراءات جزائی خاتمه داد. به ویژه هیچگونه مقاومت از جانب عارض یا کوششهای طلب استمداد از دیگران به اثبات نرسید. مرافعه خواهی عارض نیز به ناکامی مواجه شد.

نظریات کتبی کارشناسان که از جانب ام. سی. به محکمه حقوق بشر اروپا ارائه شده است " فرایت یخبندان" (سندروم کودکانه روانی تکانشی) را به مثابه عامترین عکس العمل هتک ناموس تشخیص دادند که مجنی علیه وحشت زده وبدون هیچ نوع دفاع به هتک ناموس تسلیم می شود و یا خودرا لحاظ روانی از آن منفصل می سازد. از جمله ۲۵ مورد هتک ناموس در باره زنان میان سنین ۱۴ الی ۲۰ که مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند، ۲۴ آنان به مقابل متجاوزین خویش چنین عکس العمل نشان داده اند.

در نتیجه شکایت عارض محکمه به اتفاق آراء فیصله نمود که دولت بلغاریا از وجایب و مکلفیتهای خویش در قبال مواد شماره ۳ و ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپا عدول کرده است. محکمه به دولت بلغاریا حکم کرد که مبلغ ۸۰۰۰ یورو در مقابل خساره غیر پولی بپردازد.

محکمه تأکید نمود که مطابق مواد ۳ و ۸ کنوانسیون فوق الذکر کشورهای عضو مکلفیت دارند هم قوانینی جزائی را به ارتباط مجازات موارد هتک ناموس تدوین نمایند و هم در تطبیق آن تحقیق و تعقیب مؤثر را انجام دهند. این قضیه اهمیت نظارت شیوه تطبیق قوانین را نشان می دهد.

ستره محکمه هند

رئیس هیئت مدیره خط آهن در مقابل چندریماداس (AIR ۲۰۰۰ SC ۹۱۱)

یک خانم بنگله دیشی از جانب کارکنان خط آهن هند در یک عمارت خط آهن مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. این قضیه از طریق مراجعۀ علاقمندی عامه برخلاف هیئت مدیرۀ خط آهن به اتهام هتک حرمت به محکمه کشانیده شد.

ستره محکمه در حالیکه اساس تصمیم گیری خویش را برای موارد آینده می گذاشت برای مجنی علیه جبران خساره را پیشبینی نمود که به وی اعطا شده می توانست زیرا حقوق اساسی به دو دلیل ذیل نقض و پامال شده بود:

- آرای قضائی داخلی مبتنی بر اصول قانون اساسی (ماده ۲۱ بویژه مصئونیت زندگی و آزادی شخصی)

- آرای قضائی حقوق بشر مبتنی بر اعلامیۀ جهانی حقوق بشر منعقدۀ سال ۱۹۴۸ که در سطح بین المللی به عنوان آئین اخلاقی پذیرفته شده است و از جانب مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است.

محکمه به گونه مشخص اظهار نمود که کاربرد این اعلامیه و اصول مربوط آن عندالضرورت در آرای قضائی داخلی استماع شده می توانند. محکمه همچنان خاطر نشان ساخت که "چون کلمۀ 'زندگی' در این اعلامیه نیز به مثابۀ حق اساسی بشر تسجیل یافته است، این کلمه باید همان معنی و تفسیر را داشته باشد که ستره محکمه در تصامیم قبلی خویش به ارتباط مادۀ ۲۱ قانون اساسی به این کلمه نسبت داده است". محکمه همچنان اعلام داشت که "قانون اساسی ما تمام حقوق عمده و اساسی بشر را که در اعلامیۀ جهانی حقوق بشر تسجیل یافته اند، به اتباع و دیگر اشخاص تضمین می کند".

این قضیه به این دلیل نیز مهم است که فیصله در مورد آن بر پایه اعلامیۀ جهانی حقوق بشر صورت گرفت و با صراحت گفته شد که موازین حقوق بشر بین المللی در هند قابل تطبیق می باشد.